



تحلیل رویکردهای دولت میزبان و نهاد داوری در برخورد با نقض حقوق بشر توسط سرمایه‌گذار خارجی



دکتر رضا اسلامی* - دکتر محمد جلالی** - پوریا ابراهیم‌زاده***

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

همزمان با فرا رسیدن عصر جهانی شدن، مسئله جذب سرمایه‌گذار خارجی به یک میدان رقابت برای بسیاری از کشورها مبدل شد. در این میان، برخی از کشورها با هدف جذب بیشتر سرمایه‌گذار خارجی به اتخاذ راهکارهایی غیرمعتول همچون سکوت عامدانه در خصوص تعهدات سرمایه‌گذار مبنی بر لزوم احترام به حقوق بشر روی آورده و حتی قدرت تنظیم‌گری خود در این راستا را محدود یا خنثی نمودند. حال و با توجه به اهمیت یافتن حمایت، احترام و تحقق حقوق بشر توسط دولت‌ها در دنیای امروز، پرسش اصلی تحقیق حاضر آن است که چنانچه قرارداد سرمایه‌گذاری در خصوص تعهدات سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر لزوم احترام به حقوق بشر مسکوت باشد و سرمایه‌گذار خارجی در حین اجرای پروژه سرمایه‌گذاری استانداردهای حقوق بشری را نقض کند، دولت میزبان چه رویکردهایی را در برابر او اتخاذ نموده و حسب آن رویکردها، موضع نهاد داوری به عنوان مرجع حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری به چه صورت خواهد بود؟ نویسندگان با هدف یافتن پاسخی معتول و استدلال‌محور برای پرسش اخیر از روش توصیفی-تحلیلی استفاده نموده‌اند. نتایج کلی تحقیق ضمن شناسایی سه رویکرد که ممکن است از جانب دولت میزبان در برابر سرمایه‌گذار خارجی اتخاذ شود به این واقعیت اشاره می‌کند که نهاد داوری بستر لازم برای اتخاذ دو رویکرد خنثی و یا ایجابی را دارا بوده که اتخاذ هر یک از دو رویکرد اخیر مغایر با اصول داوری توافقی نیست. با این حال اتخاذ رویکرد خنثی چالش‌های زیادی در پی خواهد داشت و اتخاذ رویکرد ایجابی ملاحظات چندگانه‌ای را می‌طلبد.

کلیدواژه‌گان: حقوق بشر، حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، دولت میزبان، سرمایه‌گذار خارجی، نهاد داوری.

* دانشیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

** دانشیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

*** دانشجو دکتری، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. / نویسنده

مسئول / ایمیل: P_brahimzadeh@sbu.ac.ir

مقدمه

با آغاز فرایند جهانی شدن، تجارت جهانی افزایش و روند سرمایه‌گذاری خارجی رشد چشمگیری پیدا کرد. از همان زمان، کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه با هدف برخورداری از فناوری به رقابت با یکدیگر جهت جذب سرمایه‌گذار خارجی روی آوردند. در این میدان رقابت، برخی از کشورها با اتخاذ راهکارهایی معقول همچون اصلاح نظام اقتصادی و وضع برخی از قوانین تلاش کردند تا اعتماد سرمایه‌گذار خارجی را به خود جلب نمایند اما برخی دیگر از کشورها که به دنبال جذب بیشتر سرمایه‌گذار خارجی بودند به اتخاذ راهکارهایی غیرمعقول همچون سکوت عامدانه در خصوص تعهدات سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر لزوم احترام به حقوق بشر روی آورده و حتی قدرت تنظیم‌گری خود در این راستا را محدود یا خنثی نمودند.

حال و با توجه به اهمیت یافتن حمایت، احترام و تحقق حقوق بشر توسط دولت‌ها در دنیای امروز، پرسش اصلی تحقیق حاضر آن است که چنانچه قرارداد سرمایه‌گذاری در خصوص تعهدات سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر لزوم احترام به حقوق بشر مسکوت باشد و سرمایه‌گذار خارجی در حین اجرای پروژه سرمایه‌گذاری استانداردهای حقوق بشری را نقض کند، دولت میزبان چه رویکردهایی در برابر او اتخاذ نموده و حسب آن رویکردها، موضع نهاد داوری^۱ به عنوان مرجع حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری به چه صورت خواهد بود؟ فرضیه ما بر این پایه استوار است که موضع‌گیری دولت میزبان به سطح توسعه‌یافتگی و نیاز او به حفظ و جذب سرمایه‌گذار خارجی بستگی داشته و انتظار می‌رود که نهاد داوری، نه محدود یا خنثی شدن قدرت تنظیم‌گری دولت میزبان را به عنوان مجوز نقض حقوق بشر توسط سرمایه‌گذار خارجی تلقی کند و نه تعهد دولت میزبان مبنی بر حمایت، احترام و تحقق حقوق بشر را به عنوان جواز برای اتخاذ هرگونه رویکردی علیه سرمایه‌گذار خارجی بداند. نویسندگان با هدف یافتن پاسخی معقول و استدلال‌محور برای پرسش اخیر از روش توصیفی-تحلیلی استفاده نموده‌اند. نتایج کلی تحقیق ضمن شناسایی سه رویکرد که ممکن است از جانب دولت میزبان در برابر سرمایه‌گذار خارجی اتخاذ شود به این واقعیت اشاره می‌کند که نهاد داوری بستر لازم برای اتخاذ دو رویکرد خنثی و یا ایجابی را دارا بوده که اتخاذ هر یک از دو رویکرد اخیر مغایر با اصول داوری توافقی نیست. با این حال اتخاذ رویکرد خنثی چالش‌های زیادی در پی خواهد داشت و اتخاذ رویکرد ایجابی ملاحظات چندگانه‌ای را می‌طلبد.

۱- پیشینه

در ذیل به معرفی اجمالی منابعی می‌پردازیم که بیشترین نقش را در شکل‌گیری چهارچوب فکری

^۱. Globalization

^۲. Foreign Investor

^۳. Regulation

^۴. Human Rights

^۵. Host State

^۶. Arbitration Institution

نویسندگان و نگارش این تحقیق بر جای گذاشته است. اولین منبع، کتاب «مقررات توسعه زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی در قراردادهای سرمایه گذاری» اثر موتو کو آیزاوا و هاوارد مان است (Aizawa and Mann, 2020: 133). نویسندگان کتاب به این مسئله اشاره می کنند که پروژه سرمایه گذاری صرفاً یک پروژه اقتصادی نبوده و با توجه به اینکه ممکن است در اجرای آنها طیف گسترده ای از تعهدات حقوق بشری نقض گردد، مقتضی است که نظارت کافی بر فعالیت سرمایه گذاران خارجی اعمال شود. متعاقباً فعالیت های سازمان ملل متحد^۱ و سازمان بین المللی کار^۲ در این زمینه مورد اشاره قرار گرفته است.

دومین منبع، مقاله «داوری سرمایه گذاری خارجی: جایگاهی برای حقوق بشر؟» اثر پرونا سیما است (Simma, 2011: 23). نویسنده مقاله به خوبی این واقعیت را مورد اشاره قرار می دهد که هدف اصلی حقوق بشر و حقوق بین الملل سرمایه گذاری^۳ در حمایت از فرد در برابر دولت خلاصه شده و لازم است که نهاد داوری در هنگام حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری، رویه ای اتخاذ نماید که نه سرمایه گذار خارجی اصول حاکم بر حقوق بین الملل سرمایه گذاری را در حکم مجوز نقض حقوق بشر در حین اجرای پروژه بداند و نه تعهدات حقوق بشری دولت میزبان در حکم مجوزی جهت نقض تعهداتش نسبت به سرمایه گذار خارجی تلقی گردد. متعاقباً، چگونگی حصول توازن میان تعهدات حقوق بشری و منافع مالی ناشی از جذب سرمایه گذار خارجی مورد اشاره قرار گرفته است.

سومین منبع، کتاب «جایگاه اصل توسعه پایدار در تحقق حق های بشری از منظر حقوق بین الملل» اثر سیدباقر میرعباسی و رزی میرعباسی است (میرعباسی و میرعباسی، ۱۳۹۵: ۳۶۰) (Mir Abbasi and Mir Abbasi, 2016: 360). نویسندگان کتاب بر لزوم توجه به تعهدات طرفین پروژه سرمایه گذاری در رعایت استانداردهای حقوق بشری، حفاظت از محیط زیست و حرکت به سوی توسعه پایدار^۴ تأکید می کنند. متعاقباً، مصادیق نظری تعارض میان حقوق بشر و حقوق بین الملل سرمایه گذاری مورد اشاره قرار گرفته است.

چهارمین منبع، مقاله «رابطه میان حقوق بشر سرمایه گذار خارجی و تعهدات بین المللی حقوق بشر و محیط زیست» اثر آرش بهزادی پارسی و سید جمال سیفی است (بهزادی پارسی و سیفی، ۱۳۹۸: ۳۱) (Behzadi Parsi and Seifi, 2019: 31). نویسندگان مقاله تلاش نموده اند تا با اشاره به رویه های داوری موردی، نمونه هایی از بروز تعارض میان حقوق بشر و حقوق بین الملل سرمایه گذاری را نشان دهند. متعاقباً، نحوه پیشگیری از بروز این تعارض ها مورد اشاره قرار گرفته است.

نقطه قوت این تحقیق نسبت به آثار فوق در آن است که این تحقیق بیش از آنکه به دنبال ارائه راهکارهای پیشگیرانه در جهت جلوگیری از بروز تعارض میان حقوق بشر و حقوق بین الملل سرمایه گذاری و یا اشاره به رویه های داوری مرتبط باشد، ابتدا مبانی نظری بروز اینگونه تعارضات را

¹. United Nations (UN)

². International Labor Organization (ILO)

³. International Investment Law

⁴. Sustainable Development

شناسایی کرده و متعاقباً با بهره از یک رویکرد میان‌رشته‌ای حقوقی-رفتاری، کلیه رویکردهایی که ممکن است توسط دولت میزبان در برابر سرمایه‌گذار خارجی اتخاذ گردد بررسی و حسب آن رویکردها، مواضع مختلف نهاد داوری را مورد بحث قرار می‌دهد.

۲- چهارچوب مفهومی و مبانی نظری

برای درک بهتر مباحث آتی، این بخش را به تعریف مفاهیم و مبانی نظری حاکم بر موضوع تحقیق اختصاص می‌دهیم.

۱-۲- چهارچوب مفهومی

علی‌رغم آنکه مواردی از جمله اعمال حاکمیت و قانون‌گذاری در زمره حقوق مسلم و انحصاری هر یک از دولت‌ها محسوب می‌شود، اما اکثر دولت‌های حاکم بر کشورهای کمتر توسعه یافته و یا در حال توسعه که عموماً به دنبال جذب سرمایه‌گذار خارجی نیز هستند ترجیح می‌دهند که با کاهش دامنه اعمال حاکمیت، قانون‌گذاری و نتیجتاً محدود یا خنثی کردن قدرت تنظیم‌گری خود، به حداکثر موفقیت در مسیر جذب سرمایه‌گذار خارجی دست یابند.

نه در اقتصاد و نه در علوم سیاسی، مفهوم تنظیم‌گری دارای تعریف ثابت و مشخصی نیست (Hartlapp, 2020: 71)، اما یکی از بارزترین مصادیق محدود یا خنثی کردن قدرت تنظیم‌گری دولت‌ها، استفاده از شرط ثبات به نفع سرمایه‌گذار خارجی است. شرط ثبات نوعی تضمین از جانب دولت به نفع سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر عدم تغییر شرایط و نظام قانونی حاکم بر پروژه سرمایه‌گذاری او تا پایان مدت قرارداد جهت تشویق و ترغیب وی در امر سرمایه‌گذاری است (Cameron, 2020: 110-111). در واقع، دولت با این وعده که قرارداد خود با سرمایه‌گذار خارجی را مشمول شرط ثبات خواهد نمود، بستر لازم جهت ترغیب وی برای ورود به مذاکرات را فراهم می‌کند. متعاقباً، دولت و سرمایه‌گذار خارجی از طریق مذاکره با یکدیگر بر سر چهارچوب و شرایط قانونی حاکم بر قرارداد توافق نموده و دولت با درج شرط ثبات در قرارداد متعهد می‌شود که از ابزاری همچون اعمال حاکمیت و قانون‌گذاری به نحوی که در تعارض با چهارچوب و شرایط قانونی مذکور باشد استفاده نکند (Nalule, 2022: 93). این نوع از شرط ثبات موسوم به شرط ثبات انجمادی^۱ بیشتر در کشورهای واقع در خاورمیانه، آسیای مرکزی، شمال آفریقا، جنوب و شرق اروپا مورد استفاده قرار می‌گیرد. گاه نیز دولت صرفاً متعهد می‌شود که از ابزار اعمال حاکمیت و قانون‌گذاری خود به نحوی استفاده نکند که توازن اقتصادی سرمایه‌گذار را بر هم بزند و چنانچه استفاده از این ابزار به هر نحو منجر به بر هم خوردن توازن اقتصادی سرمایه‌گذار خارجی شد، دولت متعهد خواهد بود که توأم با حسن نیت^۲ مذاکرات لازم با سرمایه‌گذار خارجی را انجام و به نحوی از انحاء، توازن اقتصادی سابق را به نفع او اعاده کند (Emejuru et al., 2025: 608). این نوع از شرط ثبات موسوم به شرط ثبات

^۱ Stabilization Clauses

^۲ Freezing Clauses

^۳ Good Faith

موازنه اقتصادی^۱ بیشتر در کشورهای توسعه یافته و عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۲ مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مجموع، دولت تلاش می‌کند تا با محدود یا خنثی کردن قدرت تنظیم‌گری خود، سهم بیشتری در جذب سرمایه‌گذار خارجی داشته باشند اما در اکثر موارد، اتخاذ این راهکار منجر به ایجاد شرایطی می‌شود که دولت میزبان حتی از موضع‌گیری در خصوص نقض قوانین داخلی و تعهدات حقوق بشری خویش توسط سرمایه‌گذار خارجی ناتوان باشد (Amadi and Damiri, 2025: 41).

۲-۲- مبانی نظری

برخی از اعمال دولت‌های حاکم بر کشورهای جوای جذب سرمایه‌گذار خارجی همچون اصلاح نظام اقتصادی بر اساس استانداردهای جهانی، تدوین مقرراتی جهت جلب اعتماد سرمایه‌گذار خارجی و نهایتاً پایداری به اصول مسلم در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری همچون اصل رفتار منصفانه و عادلانه^۳ مواردی است که نه تنها در امر جذب سرمایه‌گذار خارجی مفید بوده و بلکه از منظر حقوقی معقول و قابل دفاع ارزیابی می‌شوند؛ اما نباید این واقعیت را نادیده گرفت که اکثر دولت‌های محل بحث، بستر مذکور را برای جذب سرمایه‌گذار خارجی مهیا نموده‌اند و نتیجتاً سرمایه‌گذار خارجی با گزینه‌های متعددی برای انتخاب یکی از آنها به عنوان دولت میزبان مواجه است (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۷۸)؛ (Sobhani and et.al., 2019: 278). بنابراین، هنگامی که یکی از این دولت‌ها قدرت تنظیم‌گری خود را با استفاده از ابزاری همچون درج شرط ثبات در قرارداد محدود یا خنثی می‌کند در نظر دارد که مطلوب‌ترین چهره را از خود به نمایش گذاشته تا بتواند در ذهن سرمایه‌گذار خارجی به ایده‌آل‌ترین گزینه تبدیل شود.

اتخاذ راهکار فوق قطعاً در امر جذب سرمایه‌گذار خارجی مؤثر واقع خواهد شد اما یکی از مهم‌ترین چالش‌های ناشی از اتخاذ آن، بروز تعارض میان تعهد دولت میزبان مبنی بر پاسداری از حقوق بشر به عنوان عضوی از جامعه بین‌المللی^۴ و تعهدات همان دولت مبنی بر رعایت چهارچوب و شرایط قانونی حاکم بر قرارداد وفق حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری به عنوان دولت میزبان است. با توجه به اینکه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری عنوان زیرشاخه‌هایی از حقوق بین‌الملل هر دو هدفی واحد مبنی بر حمایت از فرد در برابر دولت را دنبال کرده و علی‌القاعده به دو دنیای مجزا تعلق ندارند (Simma, 2011: 576)، بروز چنین تعارضی غیرمنطقی است.

توضیحاً آنکه به موجب عرف‌ها و اسناد حقوق بشری، هر یک از دولت‌ها متعهد به حمایت، احترام و تحقق حقوق بشر بوده و دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین نهاد جهت حمایت از حقوق بشر محسوب می‌شوند (علایی، ۱۴۰۳: ۱۹۲)؛ (Alaei, 2024: 192). دولت‌ها نیز با استفاده از ابزاری همچون اعمال حاکمیت و قانون‌گذاری می‌توانند بر اعمال اشخاصی همچون سرمایه‌گذاران خارجی نظارت کرده تا

^۱ Economic Equilibrium Clauses

^۲ Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

^۳ Fair and Equitable Treatment

^۴ International Community

مبادا فعالیتشان در حین اجرای پروژه سرمایه‌گذاری منجر به نقض مصادیقی از حقوق بشر گردد. این در حالی است که بسیاری از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری^۱ و یا قراردادهای مشمول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری^۲ موجود در شرایطی منعقد شده‌اند که نه تنها در خصوص تعهدات طرفین و خصوصاً سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر احترام به حقوق بشر مسکوت‌اند و بلکه دولت میزبان قدرت تنظیم‌گری خود را از طریق درج شرط ثبات در قرارداد محدود یا خنثی کرده است. حال چنانچه دولت میزبان از سرمایه‌گذار خارجی بخواهد که استانداردهای حقوق بشری را نیز در حین اجرای پروژه سرمایه‌گذاری رعایت کند عملاً چهارچوب و شرایط قانونی حاکم بر قرارداد را تغییر داده و طبیعتاً سرمایه‌گذار خارجی با استناد به شرط ثبات مندرج در قرارداد، خود را ملزم به تبعیت از الزام جدید مطروحه از جانب دولت میزبان نخواهد دید.

با این حال، حتی در شرایط فوق نیز دولت میزبان می‌تواند از حقوق بشر عامداً مسکوت مانده در قرارداد سرمایه‌گذاری حمایت کند. مثلاً چنانچه شرط ثبات مندرج در قرارداد از نوع انجمادی باشد، سرمایه‌گذار خارجی به هیچ وجه خود را ملزم به رعایت استانداردهای حقوق بشری نخواهد دانست و چنانچه با تحمیل قدرت از جانب دولت میزبان مواجه شود انتظار می‌رود که در نزد نهاد داوری به عنوان مرجع حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری مبادرت به طرح دعوا نموده و دولت میزبان را به پرداخت خسارت ناشی از تغییر چهارچوب و شرایط قانونی حاکم بر قرارداد محکوم کند و دولت میزبان نیز (بر فرض) شناسایی و اجرای رأی، آن مبلغ را پرداخت خواهد نمود. حال اگر شرط ثبات از نوع موازنه اقتصادی باشد و تحمیل قدرت از جانب دولت میزبان منجر به برهم خوردن موازنه اقتصادی سرمایه‌گذار خارجی شود انتظار می‌رود که دولت میزبان توأم با حسن نیت مذاکرات لازم با سرمایه‌گذار خارجی را انجام و با استفاده از ابزاری همچون اصلاح تعرفه‌ها، تعدیل مالیات‌ها، افزایش طول مدت قرارداد، بازنگری در حق‌الأمتیاز و یا ترکیبی از این موارد توازن اقتصادی سابق را به نفع او اعاده کند اما حتی در صورت عدم پذیرش این ابزار از جانب سرمایه‌گذار خارجی، دولت میزبان هزینه تبعیت از تغییر چهارچوب و شرایط قانونی حاکم بر قرارداد را به او پرداخت خواهد کرد (کردی و طجرلو، ۱۴۰۲: ۲۰۴)؛ (Kordi and Tajarlou, 2023: 204).

بنابراین، شاید اینطور به نظر برسد که چنانچه دولت میزبان در قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی سهواً یا عمدتاً مسئله احترام به حقوق بشر را مسکوت گذاشته و یا قدرت تنظیم‌گری خود در این زمینه را محدود یا خنثی کرده باشد، مطلقاً از اعمال حاکمیت و قانون‌گذاری برای حمایت از حقوق بشر نسبت به سرمایه‌گذار خارجی اعراض نموده است؛ اما با لحاظ یک دیدگاه واقع‌بینانه^۳ می‌توان گفت که به‌رغم تمام حقوقی که سرمایه‌گذار خارجی اعم از شخص حقیقی یا حقوقی از جانب دولت میزبان

^۱ Bilateral Investment Treaties (BIT)

^۲ بر خلاف معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری که میان دولت‌ها منعقد می‌شوند، قراردادهای مشمول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری میان یک دولت و یک شخص حقیقی یا حقوقی به عنوان سرمایه‌گذار خارجی منعقد می‌گردند (قنبری جهرمی و ابراهیم زاده، ۱۴۰۴: ۴۵-۴۴)؛ (Ghanbari Jahromi and Ebrahimzadeh, 2025: 44-45).

^۳ Realist Perspective

و یا ذیل حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری از آن برخوردار است همواره یک «شخص» در برابر دولت میزبان محسوب شده و همیشه این احتمال وجود دارد که قربانی اقدامات سلبی همچون اخراج، مصادره، سلب مالکیت^۱ و تحمیل الزامات جدید از جانب دولت میزبان مواجه شود. بنابراین یک دولت با محدود یا خنثی کردن قدرت تنظیم‌گری خود صرفاً به صورت «ضمنی» و نه «مطلق» پذیرفته است که از حقوق مسلّم و انحصاری خود به نفع سرمایه‌گذار خارجی اعراض کند اما این مسئله که دولت میزبان واقعاً بخواهد برای ملزم کردن سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر رعایت استانداردهای حقوق بشری از ابزار دیگری استفاده کند جای تأمل دارد.

۳- تاریخچه

در بیشتر قراردادهای سرمایه‌گذاری هیچ اشاره‌ای به تعهدات طرفین و خصوصاً سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر لزوم احترام به حقوق بشر نشده است (Sattorova, 2019: 24). اما به موازات اهمیت یافتن حمایت، احترام و تحقق حقوق بشر توسط دولت‌ها و احتمال نقض حقوق بشر توسط سرمایه‌گذاران خارجی در حین اجرای پروژه، ایجاد توازن میان تعهدات حقوق بشری و منافع مالی ناشی از جذب سرمایه‌گذار خارجی مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفت (Bueno and et.al., 2025: 205). در اوت سال ۲۰۰۳، کمیسیون فرعی سازمان ملل متحد در ارتقا و حمایت از حقوق بشر^۲ سندی با عنوان «هنجارهای مسئولیت شرکت‌های فراملی و سایر مؤسسات تجاری در زمینه حقوق بشر»^۳ را تصویب نمود که مواردی از اصول و استانداردهایی در خصوص حقوق بشر، حقوق کار، حفاظت از محیط زیست، حمایت از حقوق مصرف‌کننده و مبارزه با فساد را در بر می‌گرفت (Hess, 2019: 12). در همان سال، دفتر کمیسیونر عالی حقوق بشر^۴ نیز دو گزارش با محتوای تأثیر منفی شرط ثبات بر تعهدات حقوق بشری دولت‌ها منتشر کرد. در یکی از این گزارش‌ها تأکید شد که حقوق بشر برای صیانت از کرامت انسانی ضروری است اما حقوقی که سرمایه‌گذار خارجی از آن برخوردار است صرفاً برای دستیابی او به اهدافش ضروری بوده و نتیجتاً برای صیانت از کرامت انسانی ضروری نیست. به بیان دیگر، حقوقی که سرمایه‌گذار خارجی از آن برخوردار است صرفاً ابزاری است تا او ذیل یک چهارچوب و شرایط قانونی با ثبات، مبادرت به سرمایه‌گذاری نموده تا به سود و منفعت دست یابد و متعاقباً اقتصاد دولت میزبان نیز به همان نسبت بهبود و توسعه یابد اما این امر نباید در حکم جواز سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر نقض تعهدات حقوق بشری تلقی گردد که پاسداری از آن وظیفه دولت میزبان است.

در سال ۲۰۰۵، کمیسیون حقوق بشر^۵ از دبیر کل سازمان ملل متحد درخواست نمود تا یک نماینده

^۱ Expropriation

^۲ UN Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights

^۳ Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights

^۴ UN High Commissioner for Human Rights

^۵ Commission on Human Rights

ویژه در حوزه حقوق بشر و تجارت منصوب کند. دبیرکل نیز جان روگی^۱، استاد حقوق و روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد را به این سمت منصوب نمود (سلیمی ترکمانی و حاضروظیفه قره باغ، ۱۳۹۸: ۱۵۶-۱۵۴)؛ (Salimi Turkamani and Hazer Vazifeh Qarabag, 2019: 154-156). وی نیز در سال ۲۰۰۸ طرح نهایی خود که با همکاری با مؤسسه مالی بین‌المللی آندوین شده بود ارائه کرد. بر اساس طرح مذکور، سه عامل حمایت/احترام/راهکارها از قرار تعهد دولت‌ها مبنی بر «حمایت» از حقوق بشر در برابر سو استفاده اشخاص ثالث و خصوصاً سرمایه‌گذاران خارجی، تعهد و مسئولیت اشخاص ثالث و سرمایه‌گذاران خارجی مبنی بر «احترام» به حقوق بشر و نهایتاً «راهکارها» جهت جبران خسارت ناشی از نقض حقوق بشر توسط هر یک از طرفین قرارداد سرمایه‌گذاری، سه عنصری است که به موجب آن می‌توان به توازن میان تعهدات حقوق بشری و منافع مالی ناشی از جذب سرمایه‌گذار خارجی دست یافت (Aizawa and Mann, 2020: 65).

از سال ۲۰۱۴ به بعد نیز تلاش‌های زیادی جهت حضور نمایندگان مردم در جریان مذاکرات مربوط به سرمایه‌گذاری، پافشاری بر لزوم انتشار متن قراردادها و توجه کافی به استانداردهای حقوق بشری در انعقاد آنها تا جایی ادامه یافت که حقوق بشر در قلب حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، یعنی حوزه قراردادها نفوذ کرد. به نظر می‌رسد که معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری مراکش-نیجریه که در سال ۲۰۱۶ منعقد شد اولین معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری است که در بندهای ۲، ۳ و ۴ ماده ۱۸ آن، صراحتاً به تعهدات طرفین در خصوص رعایت استانداردهای حقوق بشری، استانداردهای حقوق کار و تعهدات زیست‌محیطی اشاره شده است (Inyang, 2023: 42-43).

با توجه به اینکه مدت کوتاهی از تأثیرگذاری حقوق بشر بر حوزه قراردادها در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری می‌گذرد می‌توان گفت که شاید در گذشته طرفین قرارداد سرمایه‌گذاری به خوبی نمی‌دانستند که مسکوت گذاشتن تعهداتشان مبنی بر رعایت استانداردهای حقوق بشر و یا محدود یا خنثی کردن قدرت تنظیم‌گری دولت میزبان در این خصوص منجر به بروز چه تعارضاتی خواهد شد اما امروزه و علی‌رغم آگاهی کافی از این واقعیت باید گفت که ملاحظات مالی برای بسیاری از دولت‌های حاکم بر کشورهای جویای جذب سرمایه‌گذار خارجی همواره اقتضا می‌کند که نه تنها قراردادهای سرمایه‌گذاری را با ساختار قبلی منعقد کنند و بلکه موارد نقض مصادیق حقوق بشر توسط سرمایه‌گذار خارجی را نیز نادیده انگارند.

۴- یافته‌های تحقیق

با توجه به اهمیت یافتن حمایت، احترام و تحقق حقوق بشر توسط دولت‌ها در دنیای امروز، در این بخش و طی دو گفتار به پرسش اصلی تحقیق پاسخ خواهیم داد.

۴-۱- رویکردهای قابل تصور برای دولت میزبان نسبت به سرمایه‌گذار خارجی

همانطور که گفته شد بسیاری از قراردادهای سرمایه‌گذاری در خصوص تعهدات طرفین و خصوصاً

^۱. John Gerard Ruggie (1944-2021)

^۲. International Financial Corporation (IFC)

سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر لزوم احترام به حقوق بشر مسکوت‌اند و احتمالاً دولت میزبان قدرت تنظیم‌گری خود در این زمینه را محدود یا خنثی کرده است (Amadi and Damari, 2025: 53). بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که در موافقت‌نامه داوری^۱ نیز اشاره‌ای به صلاحیت نهاد داوری مبنی بر رسیدگی به چنین موضوعاتی شده باشد. با در نظر گرفتن شرایط فوق، فرضی را تصور کنید که در آن سرمایه‌گذار خارجی در حین اجرای پروژه سرمایه‌گذاری خود به انجام اعمالی همچون تبعیض در استخدام، آموزش، نابرابری در پرداخت دستمزد و تولید آلاینده‌گی بیش از حد مجاز روی می‌آورد و علی‌القاعده با توجه به چهارچوب و شرایط قانونی حاکم بر اسناد مربوط به پروژه سرمایه‌گذاری انتظار موضع‌گیری دولت میزبان را نخواهد داشت.

در مقابل، واکنش دولت میزبان از سه فرض خارج نخواهد بود. فرض اول آن است که دولت میزبان تعهد خود مبنی بر حمایت از حقوق بشر را نادیده گرفته و از موضع‌گیری در برابر فعالیت سرمایه‌گذار خارجی صرف‌نظر کند. منشأ چنین تصمیمی می‌تواند در انگیزه‌های مالی دولت میزبان خلاصه شود. دولت میزبان موضع‌گیری اخیر خود را اینگونه توجیه می‌کند که سرمایه‌گذار خارجی تعهدی رسمی و قابل استناد مبنی بر رعایت استانداردهای حقوق بشری یا زیست‌محیطی نسبت به دولت میزبان نسپرده و یا به دلیل محدود یا خنثی کردن قدرت تنظیم‌گری خود نه تنها نمی‌تواند در برابر سرمایه‌گذار خارجی موضع‌گیری کند و بلکه در صورت تحمیل قدرت جهت رعایت استانداردهای حقوق بشری، قطعاً او به نهاد داوری مراجعه و دولت میزبان را به پرداخت خسارت‌های سنگین محکوم خواهد کرد (طهماسبی و رئیسی، ۱۴۰۰: ۱۵۵)؛ (Tahmasebi and Raisi). بنابراین دولت میزبان ترجیح می‌دهد که به جای موضع‌گیری در برابر سرمایه‌گذار خارجی، منتظر انتفاع اقتصاد کشور از محل پروژه سرمایه‌گذاری باقی بماند.

فرض دوم آن است که دولت میزبان تعهد خود مبنی بر حمایت از حقوق بشر را در اولویت قرار داده و متعاقباً به انجام اقداماتی همچون سلب مالکیت، مصادره، توقیف، اخراج یا بازداشت روی آورد. منشأ چنین تصمیماتی می‌تواند در تأثر از دیدگاه‌های واقع‌گرایانه خلاصه شود. بر پایه دیدگاه بزرگان مکتب واقع‌گرایی کلاسیک^۲ همچون مورگنتا، میزان حقوق هر شخص رابطه مستقیمی با میزان قدرت او دارد (Mahmood, 2025: 33). دولت میزبان نیز موضع‌گیری اخیر خود را اینگونه توجیه می‌کند که چون «قدرت» انجام اقدامات سلبی را دارد پس از «حق» انجام آن نیز برخوردار است. در این فرض، رفتار دولت میزبان نه تنها مغایر با مواردی همچون اصل رفتار منصفانه و عادلانه و زیرمجموعه‌های آن همچون دکترین انتظارات معقول^۳ بوده؛ و بلکه ممکن است مصداقی از نقض حقوق بشر نسبت به سرمایه‌گذار خارجی نیز تلقی گردد. اگرچه این نوع از موضع‌گیری‌ها بیشتر در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی رواج داشت اما همواره سرمایه‌گذاری در کشورهای دارای اقتصاد سیاسی با

^۱ Arbitration Agreement

^۲ Classical Realist School

^۳ Hans Morgenthau (1904-1980)

^۴ Reasonable Expectations Doctrine

ریسک بالایی مواجهه است (Azzimonti, 2018: 479).

فرض سوم آن است که دولت میزبان تعهد خود مبنی بر حمایت از حقوق بشر را در اولویت قرار داده و به همان نسبت برخی از تعهداتش نسبت به سرمایه‌گذار خارجی را محدود کند. منشأ چنین تصمیمی می‌تواند در تلاش دولت میزبان جهت رعایت حقوق بشر و حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خلاصه شود. در این فرض که سرمایه‌گذاران خارجی از آن با عنوان سلب مالکیت خزنده نام می‌برند، دولت میزبان به شیوه سنتی اقدام به سلب مالکیت نمی‌کند اما برخی از اعمال او همچون عدم تمدید پروانه کار یکی از مدیران کلیدی پروژه سرمایه‌گذاری منجر به زمین‌گیر شدن کل پروژه می‌گردد. به بیان دیگر، سرمایه‌گذار خارجی همچنان مالک سرمایه‌اش است اما دخالت‌های دولت میزبان این مالکیت را با ابهام مواجه می‌سازد (Sadeghi and Lisanawati, 2018: 101). امروزه اتخاذ این رویکرد بسیار مرسوم است.

در فرض اول هیچ اختلافی میان دولت میزبان و سرمایه‌گذار خارجی حادث نمی‌شود اما کاملاً قابل پیش‌بینی است که دولت میزبان به عنوان اولین موجودیتی که در قلمرو سرزمینی آن کشور وظیفه حمایت، احترام و تحقق حقوق بشر را دارد مشروعیت خود در عرصه بین‌المللی را خدشه‌دار نموده و از طرفی با بازخوردهای منفی زیادی از جانب نمایندگان مردم، فعالان حقوق بشر، پاسداران محیط زیست و سازمان‌های مردم‌نهاد مواجه خواهد شد.

بلعکس از آنجا که اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری بسیار مبهم تعریف شده‌اند و سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند هر اقدام دولت میزبان را به نحوی تفسیر کند که در مغایرت با آن اصول باشد، سرمایه‌گذار خارجی موضع‌گیری دولت میزبان در فرض دوم و سوم را مصداقی از تضییع حقوق و یا افزایش تعهداتش دانسته و با تعبیر آن به عنوان نقض چهارچوب و شرایط قانونی حاکم بر اسناد مربوط به پروژه سرمایه‌گذاری و احیاناً اضافه کردن یک ادعای فرعی و مکمل مبنی بر مغایرت رفتار دولت میزبان با حقوق بشر، موضوع را به نهاد داوری ارجاع خواهد داد. در مقابل انتظار می‌رود که دولت میزبان دفاعیات خود در نزد نهاد داوری را معطوف به تعهدات خویش مبنی بر حمایت، احترام و تحقق حقوق بشر نموده و فعالیت سرمایه‌گذار خارجی را در تعارض با تعهدات مذکور قلمداد کرده و متعاقباً تأکید کند که یک رابطه سببیت میان نقض مصادیق حقوق بشر از جانب سرمایه‌گذار خارجی و اقدام دولت میزبان مبنی بر عدم اجرای تعهداتش نسبت به سرمایه‌گذار خارجی وجود دارد. به بیان دیگر، موضع دولت میزبان از این قرار است که تعهداتی مهم‌تر از آنچه که به سرمایه‌گذار خارجی سپرده است نسبت به جامعه بین‌المللی سپرده و نمی‌تواند تعهداتش نسبت به سرمایه‌گذار خارجی را به نحوی اجرا کند که مغایر با تعهداتش نسبت به جامعه بین‌المللی باشد. از آنجا که در اسناد مربوط به پروژه سرمایه‌گذاری و خصوصاً موافقت‌نامه داوری کوچک‌ترین اشاره‌ای مبنی بر لزوم احترام به حقوق بشر در حین اجرای پروژه سرمایه‌گذاری و یا صلاحیت نهاد داوری جهت رسیدگی به این مسائل نشده

¹ Creeping Expropriation

² Non-Governmental Organizations (NGOs)

³ Causal Link

است، سرمایه گذار خارجی این ایراد را مطرح خواهد کرد که نهاد داوری صلاحیت استماع، رسیدگی و ترتیب اثر بخشیدن به دفاعیات خوانده را ندارد و اینجاست که رویکرد نهاد داوری سرنوشت ساز خواهد بود.

۲-۴- مواضع قابل تصور برای نهاد داوری نسبت به رویکردهای طرفین

تا زمانی که سرمایه گذار خارجی در نقش «داوری خواه» ادعای فرعی از جنس حقوق بشر مطرح نکرده باشد و یا دولت میزبان در نقش «داوری خوانده» به دفاعیات حقوق بشری متوسل نشود، انتظار می رود که نهاد داوری نیز تمایلی مبنی بر توجه به مسائل حقوق بشری از خود نشان ندهد. منشأ اتخاذ این رویکرد می تواند در مواردی همچون عدم تمایل یا توانایی نهاد داوری در مستند ساختن رأی به حقوق بشر (Simma, 2011: 576)، و یا ترس از نقض صلاحیت و صدور رأی پیرامون موضوعی باشد که اساساً مورد تقاضا نبوده است زیرا چنین رأیی وفق شق «ج» بند ۱ ماده ۵ و ۶ کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی موسوم به کنوانسیون نیویورک^۱ با چالش شناسایی، اجرا و حتی ابطال مواجه خواهد شد. اما زمانی که داوری خواه در کنار ادعای اصلی خود به یک دفاع فرعی حقوق بشری استناد کند و داوری خوانده نیز عمده دفاعیات خود را بر مسائل حقوق بشری متمرکز سازد، نهاد داوری باید بین دو رویکرد خنثی و ایجابی یکی را برگزیند.

۱-۲-۴- رویکرد خنثی و منفعلانه

رویکرد خنثی و منفعلانه بدین ترتیب است که نهاد داوری با یک دیدگاه تک بُعدی به موضوع نگریسته، صرفاً اصول داوری توافقی را مد نظر قرار داده و بدو صلاحیت خود را بر اساس اسناد مربوط به پروژه سرمایه گذاری و خصوصاً موافقت نامه داوری جهت رسیدگی به اختلاف طرفین، با موضوع و مسائل مطروحه احرار کند (Vlahna and et.al., 2020: 162). از آنجا که اسناد مذکور اشاره ای به مسائل حقوق بشری و صلاحیت نهاد داوری مبنی بر رسیدگی در این خصوص را ندارند، نهاد داوری اینگونه استدلال می کند که طرفین با اراده آزاد و رضایت خود آن نهاد را به عنوان مرجع حل و فصل اختلافاتشان برگزیده و حدود اختیارات آن را مشخص نموده اند و در حالی که می توانستند از همان اراده آزاد و رضایت جهت تفویض صلاحیت به آن مرجع جهت رسیدگی به موضوعات حقوق بشری نیز بهره ببرند، مبادرت به انجام چنین کاری نکرده اند و بنابراین نهاد داوری با تأکید بر شق «ج» بند ۱ ماده ۵ و ۶ کنوانسیون نیویورک، ورود و صدور رأی در این حوزه را مصداق خروج از صلاحیت خود تعبیر نموده و هیچ توجهی به ادعای فرعی حقوق بشری داوری خواه و دفاعیات حقوق بشری داوری خوانده نخواهد کرد (Kube and Petersmann, 2016: 73). در این صورت رأی داوری مبتنی بر اصول حقوق بین الملل سرمایه گذاری و به احتمال بسیار زیاد، صرفاً به نفع سرمایه گذار خارجی صادر خواهد شد.

ساختار و محتوای قراردادهای سرمایه گذاری عموماً مشابه است و مسائلی همچون رفتار منصفانه و عادلانه با سرمایه گذار خارجی، آیین حل و فصل اختلافات و شیوه جبران خسارت را مورد اشاره قرار

^۱. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (1958)

^۲. New York Convention

می‌دهد که همگی حکایت از وجود و لزوم رعایت یک چهارچوب و شرایط قانونی از جانب دولت میزبان به نفع سرمایه‌گذار خارجی و تضمین رفتار ملی نسبت به او را دارد. حتی در صورت میل نهاد داوری مبنی بر توجه به مسائل حقوق بشری، پذیرفتی است که به فحوای اسناد توجه کرده و مواردی مانند احترام به حقوق بشر را صرفاً تعهدی از جانب دولت میزبان به نفع سرمایه‌گذار خارجی تشخیص دهد و نه تعهد سرمایه‌گذار خارجی نسبت به دولت میزبان. در این صورت، رأی داوری ابتدا مبتنی بر اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و سپس مبتنی بر حقوق بشری که صرفاً به نفع سرمایه‌گذار خارجی بوده است صادر خواهد شد. در دعوای زیمنس^۱ علیه آرژانتین، ایکسید^۲ هیچ توجهی به دفاعیات حقوق بشری آرژانتین نکرد (ICSID, 2007). در دعوای گلیمیس^۳ گلد^۴ علیه ایالات متحده آمریکا، آنسیتال^۵ دفاعیات مرتبط با حقوق فرهنگی شهروندان دولت میزبان را استماع نمود اما در رأی خود کوچک‌ترین اشاره‌ای به آن دفاعیات نشد (UNCITRAL, 2009). موارد فوق را می‌توان به عنوان نمونه‌هایی از رویکرد خنثی و منفعلانه که در حال حاضر رویکرد غالب نیز می‌باشد دانست.

اتخاذ رویکرد اخیر دو پیامد به دنبال خواهد داشت. اولاً، دولت میزبان درک خواهد کرد که در صورت موضع‌گیری نسبت به سرمایه‌گذار خارجی که در حین اجرای پروژه سرمایه‌گذاری استانداردهای حقوق بشری را نقض می‌کند، نهاد داوری غالباً بر اساس اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری مبادرت به صدور رأی خواهد نمود و به همین دلیل دیگر رغبتی برای موضع‌گیری در برابر سرمایه‌گذاران خارجی از این حیث نخواهد داشت. به بیان دیگر، رویه نهاد داوری عملاً منجر خواهد شد که دولت‌های میزبان به عنوان اصلی‌ترین موجودیتی که وظیفه حمایت، احترام و تحقق حقوق بشر را بر عهده دارند، اجرای این تعهد خطیر را عاقلانه ندانند. دوماً، هر چند رأی صادره در چهارچوب اصول داوری توافقی صادر شده و از این حیث با چالش شناسایی، اجرا و ابطال مواجه نخواهد شد اما نهاد داوری نباید فراموش کند که این رأی به احتمال بسیار زیاد می‌بایست در محاکم داخلی دولت میزبان به اجرا گذاشته شود و دولت میزبان نیز می‌تواند با ارائه تفسیری، اجرای رأی داوری را وفق شق «ب» بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، مغایر با نظم عمومی^۵ دانسته و حاضر به شناسایی و اجرای آن نشود (مافی و اسحق، ۱۴۰۲: ۱۶۴)؛ (Mafi and Eshaghi, 2022: 164).

۲-۲-۴- رویکرد ایجابی و فعالانه

رویکرد ایجابی و فعالانه بدین ترتیب است که نهاد داوری از یک سو تلاش کند که با یافتن استدلالی معقول، داوری‌خواه را اقناع کند که چگونه صلاحیت رسیدگی به مسائل حقوق بشری را برای خود قائل است تا مبادا از جانب او، رأی صادره با چالش نقض صلاحیت تعبیر و یا تلاشی جهت ابطال آن صورت بگیرد. چنانچه داوری‌خواه دفاع فرعی حقوق بشری مطرح نکرده باشد و متعاقباً نهاد داوری

^۱ Siemens

^۲ International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)

^۳ Glamis Gold

^۴ United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL)

^۵ Public Order

را صالح در احراز موارد نقض حقوق بشر نداند، لازم است که نهاد داوری به این واقعیت اشاره کند که طبق کنوانسیون نیویورک، آن نهاد وظیفه صدور آرای را دارد که قابلیت شناسایی و اجرا داشته باشند (Born, 2018: 126-127)، و چنانچه به دفاعیات حقوق بشری داوری خوانده توجه نکند این احتمال وجود دارد که رأی از حیث مغایرت با نظم عمومی دولت میزبان، با چالش شناسایی و اجرا مواجه شود. حال اگر داوری خواه در کنار ادعای اصلی خود، یک دفاع فرعی حقوق بشری نیز مطرح کرده باشد، نهاد داوری با چالش کمتری مواجه بوده و می تواند همین ادعای فرعی را اماره ای جهت پذیرش صلاحیت خود مبنی بر ورود به این موضوعات در نظر بگیرد. متعاقباً، چنانچه داوری خواه یک «دولت» باشد، نهاد داوری باید استدلال کند که یک دولت ذاتاً وظیفه پاسداری و جلوگیری از نقض حقوق بشر را بر عهده داشته (آدمی ابرقویی و دهقان اناری، ۱۴۰۴: ۷)؛ (Adami Abarghouie and Dehghan Anari, 2025: 7)، و بنابراین نمی تواند مدعی شود که به دلیل سکوت اسناد مربوط به پروژه سرمایه گذاری، تکلیفی در رعایت استانداردهای حقوق بشری ندارد. همچنین اگر سرمایه گذار خارجی یک «شخص» است استدلال کند که یک شخص نمی تواند مدعی تمتع از حقوق بشر شود اما تکلیفی در رعایت آن نسبت به دیگران برای خود متصور نباشد. سپس این واقعیت را مورد تأکید قرار دهد که اساساً یکی از اصلی ترین دلایل حضور او در دولت میزبان، اسناد حقوق بشری همچون میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده که به موجب آن، دولت ها متعهد به بهبود نظام اقتصادی خود شده اند و ذیل بند ۳ ماده ۲ سند اخیرالذکر، کشورهای در حال رشد مجاز هستند که با توجه لازم به بایسته های حقوق بشری و وضعیت اقتصاد ملی خود، تعیین کنند که اتباع بیگانه تا چه اندازه از حقوق اقتصادی شناخته شده در سند برخوردار خواهند بود. نهایتاً نهاد داوری به جای آنکه استدلال کند اسناد مربوط به پروژه سرمایه گذاری صرفاً یک تعهد یک جانبه از جانب دولت میزبان به نفع سرمایه گذار خارجی است این واقعیت را مورد تأکید قرار دهد که اسناد مذکور همگی ابزاری جهت تضمین رفتار ملی از جانب دولت میزبان نسبت به سرمایه گذار خارجی است و در شرایطی که دولت میزبان حتی در برابر سرمایه گذاران داخلی خود از جهت رعایت استانداردهای حقوق بشر موضع گیری می کند، نمی توان انتظار داشت که از اعمال این مواضع نسبت به سرمایه گذار خارجی روی گرداند.

از طرفی لازم است که نهاد داوری به دفاعیات حقوق بشری داوری خوانده نیز توجه کند (Bueno and et.al., 2025: 205). در این صورت، احتمال خودداری از شناسایی و اجرای رأی با استناد به مغایرت آن با نظم عمومی توسط داوری خوانده کاهش خواهد یافت اما در این خصوص لازم است که به چهارچوب تعهدات و اعمال او نسبت به داوری خواه نیز توجه و این مسئله را مد نظر قرار دهد تا مبدا رویه ای خلق شود که به موجب آن، سایر دولت های میزبان زمینه را برای انجام هرگونه اقدام علیه سرمایه گذار خارجی و متعاقباً مشروع جلوه دادن آن اعمال با مطرح کردن دفاعیات حقوق بشری را فراهم بینند زیرا در این صورت بستری برای نقض حقوق بین الملل سرمایه گذاری با سو استفاده از حقوق بشر ایجاد خواهد شد. به بیان دیگر، لازم است که نهاد داوری احراز کند که اعمال

¹. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1976)

داوری خوانده واقعاً برای حمایت از حقوق بشر بوده است و نه در قالب رفتاری خاص یا تبعیض آمیز. این موضع در ماده ۸ قطعنامه ۱۸۰۳^۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز به چشم می‌خورد که در آن ضمن به رسمیت شناختن اصل حاکمیت دائمی دولت‌ها بر منابع طبیعی مقرر نموده قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی که به صورت آزادانه و توسط دولت‌های حاکم منعقد می‌شوند باید با حسن نیت به انجام برسند. به عنوان مثال، در دعوای بی‌واتر گاف^۲ علیه تانزانیا، ایکسید ضمن پذیرش دفاعیات حقوق بشری تانزانیا هیچ یک از اعمال او از جمله بازداشت و اخراج تعدادی از کارکنان بی‌واتر را مورد پذیرش قرار نداد (ICSID, 2008).

حال نوبت به آن می‌رسد که نهاد داوری برای صدور رأی به این واقعیت توجه کند که اساساً اختلاف میان طرفین نوعاً تعارض میان حقوق بشر و حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری بوده و برای حل این تعارض می‌توان به اصول موجود در حوزه تعارض قوانین همچون اصل یکپارچگی سیستمی^۳ متوسل شد که به موجب آن، تعهدات می‌بایست بر اساس معاهدات بین‌المللی و با توجه به محیط هنجاری آن تفسیر و اجرا گردند (وکیل و ظریف جلالی، ۱۴۰۳: ۱۹۰)؛ (Vakil and Zarif Jalili, 2024: 190). همچنین استفاده از آموزه‌های رویه‌های قضایی بین‌المللی همچون قضیه گاپچیکو ناگیماروس نیز می‌تواند در صدور رأی مؤثر واقع شود. در این قضیه، مجارستان به عنوان سرمایه‌گذار با این ادعا که استانداردهای جهانی جدید زیست‌محیطی شرایط اجرای قرارداد را با تغییرات بنیادین مواجه ساخته تلاش کرد که به دکتترین ربوس^۴ مندرج در ماده ۶۲ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات^۵ استناد و تعهدات خود نسبت به اسلواکی را بر اساس شرایط جدید نپذیرد اما دیوان بین‌المللی دادگستری^۶ با استفاده از تفسیر مضیق مقرر نمود که این استانداردها اجرای تعهدات قراردادی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند اما لزوم حصول توازن میان اجرای تعهدات سابق بر اساس شرایط جدید را نیز رد نکرد (Kulaga, 2020: 478).

به عنوان یک مثال از رویه ایجابی و فعالانه نهاد داوری که رویه‌ای در حال ظهور است به قضیه تکمد^۷ به عنوان یک اشاره می‌کنیم. در این قضیه، شرکت تکمد مدعی شد که مکزیک بر اساس اسناد مربوط به پروژه سرمایه‌گذاری متعهد به حفاظت از او در برابر اعتراضات بوده اما در انجام وظیفه اخیر کوتاهی نموده و متعاقباً از نهاد داوری درخواست کرد که مکزیک را به نقض تعهدات قراردادی، پرداخت غرامت و جبران خسارت محکوم کند. در مقابل، مکزیک به حق شهروندانش مبنی بر آزادی بیان و

^۱ 14 December 1962

^۲ United Nations General Assembly

^۳ Biwater Gauff

^۴ Principle of Systemic Integration

^۵ Gabcikovo-Nagymaros Case (1997)

^۶ Doctrine of Rebus Sic Stantibus

^۷ Vienna Convention on the Law of Treaties (1969)

^۸ International Court of Justice (ICJ)

^۹ Tecmed

برگزاری تجمعات اشاره و اضافه کرد که اقدامات لازم جهت حفاظت از تکمند را انجام داده است. ایکسید پس از بررسی مواضع طرفین استدلال نمود که مکزیک به عنوان یک دولت دموکراتیک مکلف بوده است که تلاش خود را برای ایجاد یک توازن میان احترام به حقوق شهروندان مبنی بر برگزاری تجمعات و آزادی بیان از یک سو و تعهداتش نسبت به سرمایه‌گذار خارجی از سوی دیگر به کار گیرد و به نظر می‌رسد که تلاش کافی برای حفظ این توازن صورت پذیرفته است. بنابراین، تکمند را مستحق چیزی بیشتر از دریافت خسارات وارده ندانست (ICSID, 2004).

نتیجه‌گیری

دانستیم که یکی از مهم‌ترین دلایل عدم اشاره به تعهدات طرفین و خصوصاً سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر احترام به حقوق بشر در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، قراردادهای مشمول معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و موافقت‌نامه داوری، فراهم کردن ایده‌آل‌ترین بستر جهت جذب سرمایه‌گذار خارجی است. تبعیت از الگوی فوق در نگارش، تدوین و تصویب قراردادهای مربوط به پروژه سرمایه‌گذاری معمولاً به زمانی باز می‌گردد که حقوق بشر نفوذ چندانی در حوزه قراردادهای سرمایه‌گذاری نداشت و احتمالاً دولت میزبان با سکوت، محدود و یا خشنی کردن قدرت تنظیم‌گری خود جهت اعمال استانداردهای حقوق بشری در قراردادهای و یا سرمایه‌گذار با پیش‌شرط قرار دادن چنین خواسته‌ای برای انتخاب دولت میزبان، از آگاهی لازم در خصوص لزوم و نحوه ایجاد توازن میان تعهدات حقوق بشری و منافع مالی ناشی از جذب سرمایه‌گذار خارجی برخوردار نبوده‌اند. به مرور زمان، حقوق بشر در قراردادهای سرمایه‌گذاری نفوذ کرد اما همواره بسیاری از دولت‌ها از همان الگوی سابق در نگارش، تدوین و تصویب قراردادهای مربوط به سرمایه‌گذاری پیروی می‌کنند که نتیجه آن چیزی جز آنچه که در این تحقیق مطرح شد نیست. مهم‌ترین ابزار جهت پیشگیری از وقوع اینگونه تعارض‌ها، اراده واقعی دولت‌های جویای جذب سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر پایبندی به تعهدات حقوق بشری است اما باید توجه کرد که مقصود از پایبندی لزوماً به معنای اولویت بخشیدن به حقوق بشر نیست؛ چراکه در این صورت بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی رغبتی برای سرمایه‌گذاری در آنجا نخواهند داشت. مقصود از پایبندی به معنای ایجاد توازن حداکثری میان تعهدات حقوق بشری و منافع مالی ناشی از جذب سرمایه‌گذار خارجی با توجه به بسترها است. به بیان دیگر، دولت‌ها باید در هنگام تلاش برای نشان دادن چهره‌ای مطلوب از خود به سرمایه‌گذار خارجی، این بایسته را مورد توجه قرار دهند که اعمالشان منجر به پایین آمدن غیرقابل توجیه قدرت تنظیم‌گری آنها در برابر سرمایه‌گذار خارجی از حیث حمایت از حقوق بشر نشود.

با لحاظ چهارچوب فوق، اولین راهکار پیشگیرانه درج استانداردهای حقوق بشری در مقدمه معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری و یا قرارداد مشمول معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری است. بر اساس بند ۲ ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات، مقدمه یک معاهده نقش مهمی در تفسیر مفاد آن خواهد داشت. در این فرض، چنانچه سرمایه‌گذار خارجی مدعی شود که صراحتاً تعهدی مبنی بر رعایت استانداردهای حقوق بشری نسپرده است، نهاد داوری می‌بایست با استناد به مقرر اخیر، مفاد قرارداد و تعهدات طرفین را در پرتو استانداردهای حقوق بشری تفسیر کند. درج استانداردهای حقوق بشری

در بخش اهداف، تکرار آنها در متن و نهایتاً ضمیمه کردن یک سند حقوق بشری به قرارداد سرمایه‌گذاری و اشاره صریح به صلاحیت نهاد داوری مبنی بر رسیدگی به موضوعات مرتبط با تفسیر و اجرای استانداردهای حقوق بشری در موافقت‌نامه داوری، قطعاً در جهت پیشگیری از بروز تعارض مؤثر واقع خواهد شد. دومین راهکار، ایجاد محدودیت در اختیارات دولت‌ها مبنی بر محدود ساختن قدرت تنظیم‌گری آنها است. تا زمانی که دولت‌ها برای خود تکلیفی مبنی بر انتشار متن قراردادهای سرمایه‌گذاری متصور نباشند، همواره شاهد آن خواهیم بود که به بهای جذب سرمایه‌گذار خارجی قدرت تنظیم‌گری خود را محدود یا خنثی نموده و متعاقباً سرمایه‌گذار خارجی با هدف کسب سود و منفعت بیشتر؛ هیچ ابایی از انجام مواردی همچون تبعیض در استخدام، آموزش کارکنان، نابرابری در پرداخت دستمزد، تولید آلاینده‌گی بیش از حد مجاز و یا نقض سایر مصادیق حقوق بشر که پاسداری از آن وظیفه دولت میزبان تلقی می‌شود نخواهد داشت. در این راستا، حضور نمایندگان مردم، سازمان‌های مردم‌نهاد، فعالان حقوق بشر و پاسداران محیط زیست در حین انجام مذاکرات و انتشار متون غیرمحرمانه مربوط به قراردادهای سرمایه‌گذاری مؤثر واقع خواهد شد. چنانچه یک دولت بداند که محدود یا خنثی کردن قدرت تنظیم‌گری به نحو غیرقابل قبول، موضع‌گیری نهادهای مذکور را به دنبال خواهد داشت و یا مشاهده کند که نهادهای مذکور، عدم انتشار متون غیرمحرمانه مربوط به قراردادهای سرمایه‌گذاری را مصداقی از نقض حق دسترسی به اطلاعات می‌دانند مجال کمتری برای محدود یا خنثی کردن قدرت تنظیم‌گری خواهند داشت. در پایان توجه علاقه‌مندان تحقیق در این حوزه را به یک پرسش جلب می‌کنیم. آیا بهتر نیست که دولت میزبان به استناد نقض استانداردهای حقوق بشر توسط سرمایه‌گذار خارجی، دعوایی بر علیه او در نزد نهاد داوری اقامه کند تا بدین نحو ابتدا موضع نهاد داوری در خصوص لزوم حصول توازن میان حقوق بشر و حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری را تشخیص دهد و حسب آن، معقولانه‌ترین مواضع را در برابر سرمایه‌گذار خارجی اتخاذ کند؟

منابع فارسی

۱. آدمی ابرقویی، محمد و دهقان اناری، امیرمهدی. (۱۴۰۴). بازتاب ملاحظات حقوق بشر و منافع عمومی در معاهدات سرمایه‌گذاری از منظر حقوق عمومی: مطالعه تطبیقی با تمرکز بر معاهدات دوجانبه ایران. *فصلنامه حقوق عمومی تطبیقی*، ۲(۱)، ۲۳-۱.
<https://doi.org/10.22091/cpl.2025.12027.1042>
۲. بهزادی پارسى، آرش و سیفی، جمال. (۱۳۹۸). رابطه میان حقوق سرمایه‌گذار خارجی و تعهدات بین‌المللی حقوق بشر و محیط زیست. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۶(۶۱)، ۴۳-۷۴.
<https://doi.org/10.22066/cilamag.2019.65030.1286>
۳. سبحانی، محمدرضا، شهبازی، مهدی و جعفری، جلال. (۱۳۹۸). گستره حقوق بشر در رویه محاکم سرمایه‌گذاری بین‌المللی (مطالعه موردی مرکز داوری ایکسید). *فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۲(۴۴)، ۲۷۵-۲۹۶.

۴. سلیمی ترکمانی، حجت و حاضر وظیفه قره باغ، جلیل. (۱۳۹۸). تعارض میان حقوق بشر و شرط ثبات در حقوق سرمایه‌گذاری خارجی. *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۱۱(۳)، ۱۴۳-۱۶۹.
<https://doi.org/10.22099/jls.2019.5491>
۵. طهماسبی، مرضیه و رئیس، لیلا. (۱۴۰۰). رابطه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در پرتو رویه ایکسید. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۸(۶۴)، ۱۵۱-۱۸۰.
<https://doi.org/10.22066/cilamag.2021.124537.1894>
۶. علایی، حسین. (۱۴۰۳). تفاوت‌های حکمرانی مطلوب با حکمرانی معیوب. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۲۰(۴)، ۱۸۳-۲۰۰.
<https://doi.org/10.22034/isj.2024.375373.1939>
۷. قنبری جهرمی، محمدجعفر و ابراهیم زاده، پوریا. (۱۴۰۴). رویکرد نهاد داوری جهت مقابله با مصادیق فساد اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی. *فصلنامه حقوق اقتصادی و تجاری*، ۳(۲)، ۴۱-۷۰.
<https://doi.org/10.48308/eclr.2025.238790.1140>
۸. کردی، اسفندیار و طجریلو، رضا. (۱۴۰۲). انعطاف‌پذیری در سازوکار شروط ثبات و توازن منافع در قراردادهای نفتی. *دوفصلنامه مطالعات حقوق انرژی*، ۹(۱)، ۲۰۱-۲۲۱.
<https://doi.org/10.22059/jrels.2020.299442.358>
۹. میرعباسی، سیدباقر و میرعباسی، رزی. (۱۳۹۵). جایگاه اصل توسعه پایدار در تحقق حق‌های بشری از منظر حقوق بین‌الملل. *انتشارات جنگل - انتشارات جاودانه*، تهران، چاپ اول.
۱۰. وکیل، امیرساعد و ظریف جلالی، فاطمه. (۱۴۰۳). نقش اصل تفسیری یکپارچگی سیستمی در توسعه متقابل حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۴(۱)، ۱۸۳-۲۰۲.
<https://doi.org/10.22059/jpls.2022.343055.3117>

English References

1. Aizawa, Motoko and Mann, Howard. (2021). Environmental, Social and Economic Development Provisions in Investment Contracts: A Resource for Government Lawyers in the Commonwealth. *Commonwealth Secretariat Publication*, London, First Edition.
<https://doi.org/10.14217/ComSec.11>
2. Amadi, P. U and Damiari, T. (2025). Human Rights and International Investment Protection: Why History Should Matter in the Making of International Investment Agreements by Developing Countries. *Groningen Journal of International Law*, 12(1), 40-60. <https://doi.org/10.21827/GroJIL.12.1.40-60>
3. Azzimonti, M. (2018). The politics of FDI expropriation. *International Economic Review*, 59(2), 479-510. <http://doi.org/10.2139/ssrn.2724740>
4. Biwater Gauff (Tanzanian) Ltd. v. United Republic of Tanzania. (2008, July 24). ICSID Case No. ARB/05/22.
5. Born, G. B. (2018). The New York Convention: A Self-Executing Treaty. *Mich. J. int'l l.*, 40(1), 115-187. <https://doi.org/10.36642/mjil.40.1.new>

6. Bueno, N., Vastardis, A. Y and Djeuga, I. N. (2023). Investor human rights and environmental obligations: the need to redesign corporate social responsibility clauses. *The Journal of World Investment and Trade*, 24(2), 179-216. <https://doi.org/10.1163/22119000-12340278>
7. Cameron, P. D. (2020). Stabilization Clauses: Do They Have a Future?. *BCDR International Arbitration Review*, 7(1), 109-132. <https://doi.org/10.54648/BCDR2021018>
8. Emejuru, A. C., Nzeribe, A and Osondu, A. C. (2025). Stabilization Clauses and their Effects on Energy Sustainability. *African Journal of Management and Business Research*, 18(1), 605-618. <https://doi.org/10.62154/ajmbr.2025.018.010756>
9. Glamis Gold Ltd. v. United States. (2009, June 8). UNCITRAL.
10. Hartlapp, Miriam. (2020). Measuring and comparing the regulatory welfare state: Social objectives in public procurement. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 691(1), 68-83. <https://doi.org/10.1177/000271622095206>
11. Hess, D. (2019). The transparency trap: Non-financial disclosure and the responsibility of business to respect human rights. *American Business Law Journal*, 56(1), 5-53. <https://doi.org/10.1111/ablj.12134>
12. Inyang, P. (2023). The morocco-nigeria bit: an important contribution to ensuring the accountability of TNCs for their human rights violations. *European Scientific Journal Esj*, 19(2), 40-47. <https://doi.org/10.19044/esj.2023.v19n2p40>
13. Kube, V and Petersmann, E. U. (2016). Human rights law in international investment arbitration. *Asian J. WTO & Int'l Health L & Pol'y*, 11, 65-114.
14. Kulaga, J. (2020). A renaissance of the doctrine of Rebus Sic Stantibus?. *International & Comparative Law Quarterly*, 69(2), 477-497. <https://doi.org/10.1017/S0020589320000032>
15. Mahmood, R. M. (2025). Power in International Relations: Insights from Realist and Liberal Theories. *ESI Preprints (European Scientific Journal, ESJ)*, 21(8), 27-27. <https://doi.org/10.19044/esj.2024.v21n8p27>
16. Nalule, V. R. (2022). What is the Problem with Stabilization Clauses in Petroleum Agreements?. *Journal of Sustainable Development Law and Policy*, 13(1), 85-102. <http://doi.org/10.4314/jsdlp.v13i1>
17. Sadeghi, M and Lisanawati, G. (2018). Legal Analysis of the Examples and Date of Challenges in the Creeping Expropriation of Foreign Investors. *Journal of Anbar University for Law and Political Sciences*, 8(2), 98-112
18. Sattorova, M. (2019). Investor Responsibilities from a Host State Perspective: Qualitative Data and Proposals for Treaty Reform. *AJIL Unbound*, 113, 22-27.

<https://doi.org/10.1017/aju.2018.93>

19. Siemens A.G. v. Argentine Republic. (2007, January 17). ICSID Case No. ARB/02/8.
20. Simma, B. (2011). Foreign investment arbitration: a place for human rights?. *International & Comparative Law Quarterly*, 60(3), 573-596.
<https://doi.org/10.1017/S0020589311000224>
21. Tecmed v. Mexico. (2003, May 29). ICSID Case No. ARB(AF)/00/2.
22. Vlahna, K., Krasniqi, D., Krasniqi, B and Vlahna, D. (2020). Arbitration and the Importance of the Arbitration Agreement. *European Journal of Educational and Social Sciences*, 5(2), 160-169.

Translated References to English

1. Adami Abarghouie, M and Dehghan Anari, A. (2025). Reflection of Human Rights Considerations and Public Interests in Investment Treaties from the Perspective of Public Law: A Comparative Study with a Focus on Iran's Bilateral Investment Treaties. *Journal of Comparative Public Law*, 2(1), 1-23. <https://doi.org/10.22091/cpl.2025.12027.1042> **(In Persian)**
2. Aizawa, Motoko and Mann, Howard. (2021). Environmental, Social and Economic Development Provisions in Investment Contracts: A Resource for Government Lawyers in the Commonwealth. *Commonwealth Secretariat Publication*, London, First Edition.
<https://doi.org/10.14217/ComSec.11>
3. Alaei, H. (2024). Differences between Good Governance and Defective Governance. *International Studies Journal (ISJ)*, 20(4), 183-200.
<https://doi.org/10.22034/isj.2024.375373.1939> **(In Persian)**
4. Amadi, P. U. and Damiani, T. (2025). Human Rights and International Investment Protection: Why History Should Matter in the Making of International Investment Agreements by Developing Countries. *Groningen Journal of International Law*, 12(1), 40-60. <https://doi.org/10.21827/GroJIL.12.1.40-60>
5. Azzimonti, M. (2018). The politics of FDI expropriation. *International Economic Review*, 59(2), 479-510. <http://doi.org/10.2139/ssrn.2724740>
6. Behzadi Parsi, A and Seifi, S. J. (2019). The Relationship between Foreign Investors' Rights and International Human Rights and Environmental Obligations. *International Law Review*, 36(61), 43-74. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2019.65030.1286> **(In Persian)**
7. Biwater Gauff (Tanzanian) Ltd. v. United Republic of Tanzania. (2008, July 24). ICSID Case No. ARB/05/22.
8. Born, G. B. (2018). The New York Convention: A Self-Executing Treaty. *Mich. J. int'l l.*,

- 40(1), 115-187. <https://doi.org/10.36642/mjil.40.1.new>
9. Bueno, N., Vastardis, A. Y and Djeuga, I. N. (2023). Investor human rights and environmental obligations: the need to redesign corporate social responsibility clauses. *The Journal of World Investment and Trade*, 24(2), 179-216. <https://doi.org/10.1163/22119000-12340278>
10. Cameron, P. D. (2020). Stabilization Clauses: Do They Have a Future?. *BCDR International Arbitration Review*, 7(1), 109-132. <https://doi.org/10.54648/BCDR2021018>
11. Emejuru, A. C., Nzeribe, A and Osondu, A. C. (2025). Stabilization Clauses and their Effects on Energy Sustainability. *African Journal of Management and Business Research*, 18(1), 605-618. <https://doi.org/10.62154/ajmbr.2025.018.010756>
12. Ghanbari Jahromi, M and Ebrahimzadeh, P. (2025). The Arbitral Panel's Approach to Countering Instances of Economic Corruption in International Commercial Contracts. *Economic and Commercial Law Researches*, 3(2), 41-70. <https://doi.org/10.48308/ecr.2025.238790.1140> **(In Persian)**
13. Glamis Gold Ltd. v. United States. (2009, June 8). UNCITRAL.
14. Hartlapp, Miriam. (2020). Measuring and comparing the regulatory welfare state: Social objectives in public procurement. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 691(1), 68-83. <https://doi.org/10.1177/000271622095206>
15. Hess, D. (2019). The transparency trap: Non-financial disclosure and the responsibility of business to respect human rights. *American Business Law Journal*, 56(1), 5-53. <https://doi.org/10.1111/ablj.12134>
16. Inyang, P. (2023). The morocco-nigeria bit: an important contribution to ensuring the accountability of TNCs for their human rights violations. *European Scientific Journal Esj*, 19(2), 40-47. <https://doi.org/10.19044/esj.2023.v19n2p40>
17. Kordi, S and Tajarlou, R. (2023). Flexibility in the Mechanism of Stability Clauses and Balance of Interests in Oil Contracts. *Journal Of Researches Energy Law Studies*, 9(1), 201-221. <https://doi.org/10.22059/jrels.2020.299442.358> **(In Persian)**
18. Kube, V and Petersmann, E. U. (2016). Human rights law in international investment arbitration. *Asian J. WTO & Int'l Health L & Pol'y*, 11, 65-114.
19. Kulaga, J. (2020). A renaissance of the doctrine of Rebus Sic Stantibus?. *International & Comparative Law Quarterly*, 69(2), 477-497. <https://doi.org/10.1017/S0020589320000032>
20. Mahmood, R. M. (2025). Power in International Relations: Insights from Realist and Liberal Theories. *ESI Preprints (European Scientific Journal, ESJ)*, 21(8), 27-27.

- <https://doi.org/10.19044/esj.2024.v21n8p27>
21. Mirabbasi, Seyed Bagher and Mirabbasi, Rozi. (2016). The position of the principle of sustainable development in the realization of human rights from the perspective of international law. *Jangal Publications - Javedaneh Publications*, Tehran, Eirst Edition. **(In Persian)**
 22. Nalule, V. R. (2022). What is the Problem with Stabilization Clauses in Petroleum Agreements?. *Journal of Sustainable Development Law and Policy*, 13(1), 85-102. <http://doi.org/10.4314/jsdlp.v13i1>
 23. Sadeghi, M and Lisanawati, G. (2018). Legal Analysis of the Examples and Date of Challenges in the Creeping Expropriation of Foreign Investors. *Journal of Anbar University for Law and Political Sciences*, 8(2), 98-112
 24. Salimi Turkamani, H and Hazer Vazifeh Qarabag, J. (2019). The Conflict between Human Rights and the Stabilization Clause in Foreign Investment Law. *Journal of Legal Studies*, 11(3), 143-169. <https://doi.org/10.22099/jls.2019.5491> **(In Persian)**
 25. Sattorova, M. (2019). Investor Responsibilities from a Host State Perspective: Qualitative Data and Proposals for Treaty Reform. *AJIL Unbound*, 113, 22-27. <https://doi.org/10.1017/aju.2018.93>
 26. Siemens A.G. v. Argentine Republic. (2007, January 17). ICSID Case No. ARB/02/8.
 27. Simma, B. (2011). Foreign investment arbitration: a place for human rights?. *International & Comparative Law Quarterly*, 60(3), 573-596. <https://doi.org/10.1017/S0020589311000224>
 28. Sobhani, Mohammad Reza., Shahbazi, Mehdi, and Jafari, Jalal. (2019). The Scope of Human Rights in the Practice of International Investment Courts (Case Study of the IXXID Arbitration Center). *International Legal Research*, (44)12, 275-296. **(In Persian)**
 29. Tahmasebi, M and Raisi, L. (2021). The Relation between Human Rights and International Investment Law in Light of the ICSID Jurisprudence. *International Law Review*, 38(64), 151-180. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2021.124537.1894> **(In Persian)**
 30. Tecmed v. Mexico. (2003, May 29). ICSID Case No. ARB(AF)/00/2.
 31. Vakil, A. S and Zarif Jalali, F. (2024). The Role of the Interpretive Principle of Systemic Integration in the Mutual Development of International Human Rights and Humanitarian Law. *Public Law Studies Quarterly*, 54(1), 183-202. <https://doi.org/10.22059/jpls.2022.343055.3117> **(In Persian)**
 32. Vlahna, K., Krasniqi, D., Krasniqi, B and Vlahna, D. (2020). Arbitration and the Importance of the Arbitration Agreement. *European Journal of Educational and Social Sciences*, 5(2), 160-169.

